



AFP

احسان عطایا، عضو دفتر سیاسی جنبش جهاد اسلامی در گفت و گوی اختصاصی با «ایران»:

مقاومت غزه اشغالگران را سردرگم کرده است



گفت‌وگو

هادی معصومی زارع

خبرنگار اعزامی روزنامه ایران به لبنان



امروز ما در

قلب یک نبرد

استراتژیک

هستیم.

چنین

معرکه‌ای نیاز

به مدیریت

استراتژیک نیز

دارد. نباید با

آن یا عواطف

و احساسات

مواجهه شد.

درست است

که جنایات

زیادی

علیه مردم

فلسطین

صورت گرفته

است اما

مقایله با این

جنایات بر

کشورهای

جهان است

و نه صرفاً

ایران و

حزب‌الله، لذا

تا جایی که به

کشتر مردم

مرتبط است،

مسئولیت

صرفاً متوجه

ایران و محور

مقاومت

نیست بلکه

مسئولیت

تمام

کشورهای

جهان است

احسان عطایا عضو دفتر سیاسی جنبش جهاد اسلامی و نماینده این گروه در لبنان است. وی از چهره‌های بسیار نزدیک به رهبری جهاد اسلامی است که بسیاری از مواضع این گروه از زبان وی شنیده می‌شود. جهاد اسلامی یکی از مشهورترین گروه‌های نظامی فلسطینی است که از اواخر دهه هشتاد میلادی از سوی جمعی از جوانان مقاوم فلسطینی به رهبری دکتر فتحی شقافی سربرآورد و از قربایت و نزدیکی فکری و سیاسی ویژه‌ای با جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. این گروه دومین جریان قدرتمند فلسطینی در غزه به شمار می‌آید.

سریع، دامنه نبرد بالا گرفته است. البته فعلاً نمی‌توان به طور دقیق در این خصوص صحبت کرد مگر در پایان جنگ. مهم این است که این اتفاق بزرگ این گونه رقم خورد و دستاوردهای بزرگی به همراه داشت.

آیا جنبش جهاد اسلامی در جریان عملیات هفت اکتبر بود؟ آیا شما در طرح ریزی و اجرای این عملیات نقش داشتید؟

واقعیت آن است که نه جنبش جهاد اسلامی و نه برادران ما در دفتر سیاسی جنبش حماس هیچ اطلاعی از انجام این عملیات نداشتند. نه ما، که بیشتر رهبران حماس نیز از وقوع چنین عملیاتی بی‌اطلاع بودند. تا جایی که می‌دانم این عملیات حتی بدون اطلاع قبلی رهبران سیاسی محور مقاومت طرح ریزی و اجرا شده است. دوستان ما در جنبش حماس این عملیات را با احتیاط بسیار برنامه‌ریزی کردند تا با انجام این عملیات بتوانند دشمن صهیونیستی را غافلگیر کنند.

این عملیاتی نظامی بود که توسط گردان‌های قسام برنامه‌ریزی شده بود. هدف اصلی آن نیز یورش به یک پایگاه نظامی در مجاورت مرزهای غزه و به اسارت گرفتن نظامیان رژیم با هدف تبادل با اسرای فلسطینی بود اما با غافلگیر شدن دشمن و تسریع فروپاشی آن، نیروهای قسام به استمرار عملیات و توسعه آن به دیگر پایگاه‌های نظامی و نیز شهرک‌های اسرائیلی تشویق و ترغیب شدند.

از این مرحله بود که جهاد اسلامی و حتی مردم عادی غزه نیز وارد نبرد شدند و به شهرک‌ها هجوم بردند تا از سربازان صهیونیست اسیر بگیرند. صرف‌نظر از اینکه چه کسی ابتدا آغاز کننده عملیات علیه دشمن باشد، هر دو گروه در غزه در مبارزه مشترک با دشمن اسرائیلی در کنار یکدیگر هستند.

پس می‌توان گفت بخش بزرگی از اتفاقاتی که شاهدش بودیم از قبل برنامه‌ریزی نشده بود، بلکه به دلیل فروپاشی یگان‌های نظامی مرزی رژیم اتفاق افتاد؟

طبیعتاً من مرجع دقیقی برای تأیید این نظریه نیستم. ولی چیزی که متوجه شدم آن بود که گویا عملیات ابتدا با اهدافی محدود و معین آغاز شده بود اما با غافلگیری دشمن و توانایی آن در واکنشی

ما و آزادی مسجدالاقصی بوده است. ما به طور مستمر به دنبال تحقق این امر هستیم و در این راه از هر مبارزه عملی حمایت می‌کنیم.

برخی می‌گویند که آنچه روز شنبه اتفاق افتاد تله‌ای برای در جهت نابودی غزه بود. نظر شما چیست؟

ببینید دهه‌هاست که اسرائیلی‌ها در حال قتل عام مردم ما هستند. هر کاری هم که دلشان می‌خواهد انجام می‌دهند. همچنین مورد حمایت کامل امریکایی‌ها و قدرت‌های غربی نیز هستند. پس آنها برای حمله به غزه و ویرانی آن، نیازی به توجیه ندارند، لذا نیاز به چنین تله‌ای نداشت.

نکته دیگری که باید توجه کرد آن است که این عملیات در مدت زمان طولانی یعنی طی ماه‌ها و نزدیک به دو سال پیش طراحی شده است و کار یکی دو ماه نیست و روی آن بسیار کار شده بود، لذا موفق هم شد. قبل از این هم ما موفقیت‌های مشابه داشته‌ایم. برای مثال دو سال قبل ماجرای فرار ۶ اسیر فلسطینی از زندان فوق امنیتی جلیلعو را داشتیم که با دست خالی و قاشق غذاخوری موفق به حفر تونل و فرار از زندان شدند. این زندان یکی از زندان‌های مخوف رژیم صهیونیستی است که دشمن صهیونیستی دارد و با مفهوم گاوصندوق امن از آن یاد می‌کنند. گاوصندوق آهنی که هیچ‌کس نمی‌تواند از آن بیرون بیاید. به‌طوری که هیچ‌کس در

ذهن خود نمی‌توانست بپذیرد که کسی از آنجا بتواند فرار کند! این قهرمانان که پشه‌های همین مردم فلسطین هستند چگونه این تونل را حفر کردند و چگونه توانستند بیرون بیایند؟

مسأله بعدی آن است که صهیونیست‌ها ذاتاً ترسو هستند و دور خود را دیوار کشیده‌اند. اینها با بهترین تانک‌ها و جنگنده‌های پیشرفته، اعتماد به نفس نداشته ادوات پیشرفته به جنگ مظلومان می‌روند. اما در هفت اکتبر غافلگیر شدند و مانند زنان و کودکان به شیون و مویه افتادند. آن وقت بود که شما متوجه می‌شدید اینها برخلاف ظاهرشان بسیار ترسو و بزدل هستند. در واقع صهیونیست‌ها، ببر کاغذی‌اند و نه بیرواقعی. پس این دشمن نقاط ضعفی دارد و مقاومت توانست نقطه ضعف او را کشف کرده و به او در وقت مناسب ضربه بزند. زمان مناسب یعنی شنبه، در تعطیلات یهودی و در ساعتی مناسب. یعنی ابتدای صبح. همه این برنامه‌ریزی‌ها بر این اساس بود که در زمان حمله از دریا و از خشکی، ۵ هزار موشک را به سمتش شلیک کردند. بدین ترتیب دشمن غافلگیر شد و در ساعات اول متوجه نشد چه اتفاقی افتاده است.

بر اساس قیلم‌های منتشره از سوی حماس و صهیونیست‌ها برخی از کشته‌های این عملیات زنان یا غیرنظامیان شهرک‌نشین هستند. سؤالی که در افکار عمومی طبقه‌ای

پس از دهه‌ها در افکار چندساعت

مرگ آنکه اسرای ما از زندان‌های شما آزاد شوند. وضعیت در غزه هم از همین قرار خواهد بود. دشمن صهیونیستی هر چقدر هم که مرتکب جنایت شود، ناچار خواهد شد شکست را بپذیرد و با ناامیدی و خفت به مذاکرات غیرمستقیم برای تبادل اسرا برود. این همان مسیری است که ما انتظارش را داریم. البته شکست اخلاقی دشمن در این جنگ نیز همچون جنگ سی و سه روزه و دیگر جنگ‌های تحمیلی این رژیم، از پیش روشن شده است.

در هر صورت ما امروز پیروزی را پشت ابرهای مه‌آلود بمباران و پشت شعله‌های سوزان آتشی می‌بینیم که از انفجار بمب‌ها ایجاد شده‌اند. ما پیروزی را در لبخند کودکان غزه و در صبرمادران غزه می‌بینیم. ان‌شاءالله تا توکل بر خداوند پیروزی حاصل می‌شود. دشمن شکست بزرگی خواهد خورد و ان‌شاءالله دستاوردی بی‌سابقه برای مقاومت خواهد بود که تنها نه به نفع مقاومت فلسطین بلکه به نفع کل محور مقاومت خواهد بود. این همان چیزی است که به امید خدا ما در زمانی نه چندان دور منتظر آن هستیم.

به شما و به همه مخاطبان شما و خوانندگان این مصاحبه اعلام می‌کنم که مقاومت در وضعیت خوبی قرار دارد و آماده جانفشانی است تا با دشمن مقابله کند و شگفتی‌های بیشتری بیافریند.

می‌خواهم به اختصار به شما بگویم که مقاومت لبنان در سال ۲۰۰۶ مورد حمله، تخریب و تعرض و بمباران شدید صهیونیست‌ها قرار گرفت اما پیروزی خارج شد. از قضا مشابیهت‌های متعددی میان غزه امروز و لبنان آن روز وجود دارد. نخست تلاش برای تغییر چهره خاورمیانه و درانداختن طرح خاورمیانه جدید در آن زمان بود که پس از پیروزی مقاومت در لبنان این طرح شکست خورد. در تمام این سال‌ها تلاش کردند تا چهره منطقه را از طریق جنگ در سوریه و یمن و عراق تغییر دهند که در همگی شکست خوردند. حالا به دنبال تغییر چهره منطقه از طریق نابودی غزه هستند. حسب تجارب قبلی و به لطف الهی این تجربه نیز شکست خواهد خورد.

شباهت دیگر این موضوع است که زمانی که دو صهیونیست اسیر شدند، تجاوز به لبنان آغاز شد و کشور به طور مستمر زیر بمباران قرار گرفت. جناب سید حسن نصرالله با صراحت خطاب به صهیونیست‌ها گفت: اگر همه دنیا جمع شوند، هیچ‌کس نمی‌تواند این دو سرباز را بازگرداند،

از مردم به وجود آمده آن است که چرا مقاومت اسلامی می‌بایست اقدام به کشتن غیرنظامیان کند؟

اولاً به گمانم اینگونه حرف‌ها بسیار اغراق‌آمیز است، زیرا کشتار صهیونیست‌ها ذاتاً ترسو هستند و دور مرد یا سرباز زن که دوره احتیاط را با بهترین تانک‌ها و جنگنده‌های تمام شهرک‌نشینان مسلح هستند. دشمن صهیونیستی متکی به نیروهای ذخیره خود است، آنها از شهرک‌نشینان گرفته تا نیروهای ذخیره نمی‌ی از ارتش را تشکیل می‌دهند، اینها کسانی هستند که فلسطین را اشغال کردند و بنا بر این هدف قرار دادن نظامیان چه مرد باشند چه زن، چیزی نیست که بتوان به آن خرد کرد.

اما کشتن افراد سالخورده، بچه‌ها یا زنان عادی در دستور کار نبوده است. حال شاید در این عملیات بزرگ خلأهایی و شاید اشتباهاتی هم رخ داده باشد، بله ممکن است ولی سیر کلی عملیات این طور نبوده است. نکته‌ای که به آن باید توجه داشت این است که مقاومت در بدو ورود به این عملیات توانایی تشخیص دقیق هویت هر فرد در شهرک‌ها را نداشته است. بویژه که عرض کردم از زمانی که بعد حتی نیروهای خودجوش مردمی نیز وارد صحنه شده و به شهرک‌های صهیونیست‌نشین غلاف غزه یورش بردند. طبیعتاً در غزه بلااستثنا در هر خانواده یک یا چند شهید وجود دارد. بنابراین پس از دهه‌ها در کمتر از چندساعت

مردمی نیز وارد صحنه شده و به شهرک‌های صهیونیست‌نشین غلاف غزه یورش بردند. طبیعتاً در غزه بلااستثنا در هر خانواده یک یا چند شهید وجود دارد. بنابراین پس از دهه‌ها در کمتر از چندساعت

آینده نبرد را چگونه می‌بینید؟ برخی گزارش‌ها از تلاش رژیم اسرائیل برای بیرون راندن مردم غزه و تغییر دموگرافیک در غزه حکایت دارد. به نظر شما آیا مقاومت خواهد توانست پیروزی جدیدی از جنس جنگ سی و سه روزه لبنان را رقم بزند؟

به شما و به همه مخاطبان شما و خوانندگان این مصاحبه اعلام می‌کنم که مقاومت در وضعیت خوبی قرار دارد و آماده جانفشانی است تا با دشمن مقابله کند و شگفتی‌های بیشتری بیافریند.

می‌خواهم به اختصار به شما بگویم که مقاومت لبنان در سال ۲۰۰۶ مورد حمله، تخریب و تعرض و بمباران شدید صهیونیست‌ها قرار گرفت اما پیروزی خارج شد. از قضا مشابیهت‌های متعددی میان غزه امروز و لبنان آن روز وجود دارد. نخست تلاش برای تغییر چهره خاورمیانه و درانداختن طرح خاورمیانه جدید در آن زمان بود که پس از پیروزی مقاومت در لبنان این طرح شکست خورد. در تمام این سال‌ها تلاش کردند تا چهره منطقه را از طریق جنگ در سوریه و یمن و عراق تغییر دهند که در همگی شکست خوردند. حالا به دنبال تغییر چهره منطقه از طریق نابودی غزه هستند. حسب تجارب قبلی و به لطف الهی این تجربه نیز شکست خواهد خورد.

شباهت دیگر این موضوع است که زمانی که دو صهیونیست اسیر شدند، تجاوز به لبنان آغاز شد و کشور به طور مستمر زیر بمباران قرار گرفت. جناب سید حسن نصرالله با صراحت خطاب به صهیونیست‌ها گفت: اگر همه دنیا جمع شوند، هیچ‌کس نمی‌تواند این دو سرباز را بازگرداند،

برای این مردم مظلوم و ستمدیده فرصتی برای انتقام از صهیونیست‌ها به وجود آمد. خب شما خودتان را بگذارید جای آن انسان ستمدیده اهل غزه. چه می‌کنید؟ رفتار این فلسطینی مظلوم را باید در سیاق خودش فهم کرد. کسی که خودش چنین رنج پیوسته‌ای را نکشیده نمی‌تواند به خوبی انسان غزه را فهم و قضاوت کند.

گاه از برخی چهره‌های فلسطینی و غیرفلسطینی شنیده می‌شود که انتظار داشتیم ایران و حزب‌الله مستقیماً مداخله کنند و به طور مستقیم وارد جنگ با اسرائیل شوند، پس چرا ما شاهد این مداخله نبودیم؟ می‌خواهم با صراحت بپرسم که از دید شما در جنبش جهاد اسلامی آیا در این خصوص از طرف ایران یا حزب‌الله اهنال شده است؟

اولاً حزب‌الله از روز اول اعلام کرد که بی‌طرف نیست و خودش را بخشی از نبرد می‌داند. ثانیاً وزیر امور خارجه ایران از همان روز اول تماس‌ها و سفرهای خود را در سراسر جهان آغاز کرد تا جلوی قتل عام مردم فلسطین را بگیرد و بتواند پیام مناسبی در دفاع از حق مظلومان فلسطینی به تمام جهان‌نایان برساند. همچنین با سران محور مقاومت نشست و دیدار کرد و این سفرها را همچنان ادامه داد تا تأثیر بسزایی در تغییر افکار عمومی بگذارد. اما از لحاظ نظامی نیز حزب‌الله از همان روز دوم ورود کرد و تاکنون قریب به پنجاه شهید تقدیم کرده است. حزب‌الله امروز در قلب معرکه است. مقاومت عراق و سوریه پایگاه‌های امریکایی‌ها در این دو کشور را مورد هدف قرار داده‌اند. دوستان یعنی چندین موشک و پهپاد شلیک کرده‌اند. از دید من، مقاومت نه تنها کوتاهی نکرد بلکه هر چه در توان داشت جمع کرد تا حمایت از مقاومت فلسطین در غزه را امکان‌پذیر کند.

رهبری محور مقاومت بویژه جمهوری اسلامی ایران، مقاومت در غزه را بر دشمن پیروز می‌داند و در هر سطحی از رسانه‌ای گرفته تا سیاسی و دیپلماتیک و همچنین در سطح نظامی از آن حمایت و کمک می‌کند و حامی اصلی مقاومت است و اتاق عملیات مشترک تشکیل شده تا برای اتخاذ تصمیمات مناسب به همه سطوح و جزئیات برای حمایت از مقاومت فلسطین در غزه دسترسی داشته باشند. بجز اگر این مقاومت بتواند این دشمن را بدون کشودن جبهه‌های دیگر شکست دهد، اولاً نکته‌ای که به آن باید توجه داشت این است که مقاومت در بدو ورود به این عملیات توانایی تشخیص دقیق هویت هر فرد در شهرک‌ها را نداشته است. بویژه که عرض کردم از زمانی که بعد حتی نیروهای خودجوش مردمی نیز وارد صحنه شده و به شهرک‌های صهیونیست‌نشین غلاف غزه یورش بردند. طبیعتاً در غزه بلااستثنا در هر خانواده یک یا چند شهید وجود دارد. بنابراین پس از دهه‌ها در کمتر از چندساعت

مردمی نیز وارد صحنه شده و به شهرک‌های صهیونیست‌نشین غلاف غزه یورش بردند. طبیعتاً در غزه بلااستثنا در هر خانواده یک یا چند شهید وجود دارد. بنابراین پس از دهه‌ها در کمتر از چندساعت

مردمی نیز وارد صحنه شده و به شهرک‌های صهیونیست‌نشین غلاف غزه یورش بردند. طبیعتاً در غزه بلااستثنا در هر خانواده یک یا چند شهید وجود دارد. بنابراین پس از دهه‌ها در کمتر از چندساعت

مردمی نیز وارد صحنه شده و به شهرک‌های صهیونیست‌نشین غلاف غزه یورش بردند. طبیعتاً در غزه بلااستثنا در هر خانواده یک یا چند شهید وجود دارد. بنابراین پس از دهه‌ها در کمتر از چندساعت

مردمی نیز وارد صحنه شده و به شهرک‌های صهیونیست‌نشین غلاف غزه یورش بردند. طبیعتاً در غزه بلااستثنا در هر خانواده یک یا چند شهید وجود دارد. بنابراین پس از دهه‌ها در کمتر از چندساعت

این سطح از بمباران و کشتار و ویرانی‌ها شود؟

از نظر من هر اقدامی علیه این دشمن ددمنش دستاوردی بزرگ و ارزشمند است. تاکنون هیچ وقت ما این تعداد کشته از صهیونیست‌ها نگرفته بودیم. برعکس این همیشه ما بودیم که تلفات سنگین می‌دادیم. هزاران نفر از مردم فلسطین در راهپیمایی‌های بازگشت کشته شدند. کسانی که صرفاً در غزه راهپیمایی و تظاهرات می‌کردند و نه سلاحی داشتند و نه نظامی بودند. خب این دستاورد بزرگی در مقابل چنین دشمن جنایتکاری بود. به نظرم در این اتفاق فلسطینی‌ها مقصر نیستند، بلکه این فرصتی است که باید از آن به خوبی بهره برد. یکی از کم‌ترین فرصت‌های آن کنار رفتن نقاب از چهره مدعیان دموکراسی است. امروزه خونریزی و جنایات و دیکتاتوری ایشان برای همه دنیا مسجل شده است. همه ما واکنش اخیر مجمع عمومی سازمان ملل را به چشم دیدیم.

برخی در محبوبیت مردمی مقاومت فلسطین تشکیک می‌کنند. می‌گویند کجا مردم به شما این حق را داده‌اند تا از سمت آنها بچنگید؟

مردم فلسطین در غزه بخشی از مقاومت هستند، مقاومت انتخاب آنهاست، هر کودک غزه بخشی از پروژه مقاومت است، بنابراین مردم فلسطین در غزه در این مقاومت شریک هستند. ما با هم در مقابل این دشمن مقاومت می‌کنیم و هیچ‌کس را وادار به انتخاب مقاومت نکرده‌ایم. جنایتکاری کسی است که هرگاه با فشار باید علیه جنایتکار و متجاوز باشد، نه علیه کسی که مورد تجاوز واقع شده است. آنکه مورد تجاوز قرار گرفته اگر حق خود را مطالبه کند و مقاومت و جهاد در برابر دشمن را پیشه کند، مقصر نیست. آن‌کس که به خوبی این مردم را می‌جنگد، فقط نیروهای مقاومت هستند. تمام این مردم جزئی از مقاومت هستند و همه به‌دنبال تحقق این خط و مطالبه آن می‌باشند یعنی این مردم هستند که خواهان پاسخ مقاومت به تجاوزات دشمن صهیونیستی هستند. هرگاه تروری در رهبران مقاومت اتفاق می‌افتد، مردم فلسطین با تمام توان و توانایی خود بر حمایت از مقاومت به میدان می‌آیند و مقاومت را به دادن پاسخی مناسب برای این تجاوز فراموش نمی‌کنند. هرگاه تروری همچنین فراموش نکنید که این مقاومت بود که برنده انتخابات ۲۰۰۶ شد. اما نتیجه چه شد؟ کمتر از یک سال بعد، علیه دولت حماس کودتا کردند.

برخی می‌گویند غزه تبدیل به زندان بی‌سقفی برای گروه‌های مقاومت شده و مردم از ترس سلاح هستند، مجبور به همراهی با شما هستند.

اگر این حرف درست است پس چرا اسرائیلی‌ها تا این حجم از بمباران و کشتار موفق به ترساندن و کوچاندن ایشان نمی‌شوند؟ چرا مردم فلسطین با وجود اینکه می‌دانند ممکن است شهید شوند، خانه خود را ترک نمی‌کنند؟ چرا مردم اسامی فرزندان خود را روی بدنتان می‌نویسند تا پس از پایان بمبارانی که در معرض آن قرار می‌گیرند، بتوانند فرزندان خویش را شناسایی کنند؟ اگر مردم فلسطین از زور سلاح می‌ترسیدند که خب باید هزارتبه از سلاح اسرائیلی‌ها بیشتر می‌ترسیدند و غزه را ترک می‌کردند. این مردم با چنین روحیه‌ای که دارند محال است ترسند.

اما اینکه برخی، مردم فلسطین را به ترس از مقاومت متهم می‌کنند، تحریف واقعیت است. از قضا ماجرا برعکس است. ملت فلسطین با چنین روحیه‌ای بخشی از مقاومت بزرگ هستند و نیروهای مقاومت همان فرزندان و خانواده‌هایشان هستند. مگر ده‌ها هزار عضو مقاومت در غزه، عضوی از خانواده‌های این منطقه نیستند؟ اصلاً شاید به سختی بتوان خانواده‌ای را یافت که عضوی در مقاومت نداشته باشد. مردم غزه، نمونه‌ای برجسته از فداکاری، همبستگی، یکپارچگی، نوع دوستی و بخشش هستند. با وجود اینکه مردم در غزه تحت فشار و زیر بار جنگ و بمباران هستند هیچ مدرکی از دردی‌خانه‌ها یا مغازه‌ها یا دزدی آذوقه... مشاهده نمی‌کنید.



با گذشت بیش از سه هفته از طوفان الاقصی، به نظر شما آیا این عملیات ارزش آن را داشت که غزه متصل